

و لا تحسبن الذين قتلوا في سبيل الله امواتا بل احياء عند ربهم يرزقون

به آنان که در راه خداوند جهاد میکنند و کشته میشوند مرده نگوئید زیرا آنان زنده جاویدند و نزد خدایشان روزی می خورند .

امروز که این نوشته را برای شما می نویسم غروب 61/1/2 است در میان تپه ها در چند کیلومتری خط مقدم جبهه رقابیه هستم و چادر زده ایم همچون روزی که سرور آزادگان یگانه مرد تاریخ حسین بن علی (ع) و 72 تن از یاران با خانواده خود در کربلا خیمه زدند ، آری غروب تیره از ناجوانمردی است و مسموم و آلوده از خیانت و جنایت یزیدیان خورشید رنگ می بازد و لاشه خسته اش را بر پشت کوهها میکشد کمی دورتر از نیروهای حسین زمان ، نیروهای لشگریان کافر صدام صف آرائی کردند تا مال و ثروت این ملت مسلمان و مستضعف را غارت و به تاراج ببرند ، درست مانند روز عاشورا که حسین (ع) و یارانش از سوی دیگر لشگریان یزید در برابر هم جبهه گرفته اند با دو هدف کاملاً جدا از هم ترسیم روحیه افراد در هر دو گروه بسی دشوار است مگر آنکه خود جزو یکی از آنان باشی و اگر می خواهی جبهه حسینی را بشناسی باید اول یزیدیان را بشناسی چرا که هیچ گروهی را نمی توان شناخت مگر با شناختن جبهه مخالفش و جهت متضادش زیرا بدون شناختن ظلمت نمی توان فهمید که نور چیست و بدون زیستن در اختناق آزادی را نمی توان دریافت و گرسنه می داند سیری چیست و ماهی تا در خشکی نیفتد قدر آب را نمی تواند بشناسد چون گفته اند هر چیزی با ضدش شناخته می شوند و حق با باطل نیز چنین است نباید شرک را شناخت در همه اشکالش تا معنای توحید را درک کرد باید معاویه را شناخت تا علی را درک کرد و عدل را با ظلم و پراکندگی را با وحدت ، خدمت را با خیانت راه را با بیراهه می توان شناخت و این سخن از علی (ع) است که میفرماید شما هرگز و هرگز رشد حق را نخواهید شناخت جز هنگامی که با طل را و آنکس را که حق را رها کرده است بشناسید در این موقعیت حساس که عاشورای حسین بار دیگر در ایران زنده شده است و نشان داده و میدهد ضد حسینی ها هنوز هستند و تا حکومت الله را در سرتاسر جهان برقرار نسازند دست از پیکار علیه کفر برنخواهند داشت بله عزیزان من اکنون که این نوشته را می نویسم با قلبی پر تپش از شوق و ذوق شهادت مانند کسی که مدتها در جستجوی گمشده ای میگردد و ناگهان گمشده خود را می یابد ای کاش اینجا بودید و روحیه سربازان امام زمان (ع) را میدیدید بخدا قسم هر چه بگویم با زبانم از حقیقت عاجز و قلیل از نوشتن ناتوان است بخصوص اینکه در این عملیات نیروهای ارتشی و سپاهیان و بسیج و همه نیروهای جند اله در هم ادغام شده و با کمک هم به یاری خدای بزرگ و به فرماندهی مرجع هستی عالم بشریت امام زمان (ع) عج اله تعالی فرجه شریف آنچنان ضربه ای بر پیکر کثیف صدامیان و اربابانش خواهند زد که دیگر هرگز فکر حمله به ایران کشور مسلمان را به مغز خود راه ندهد آری لبها تا نیمه شب صدای ناله های بلند شده برادران به راز و نیاز با خدای خود و امام زمان و ائمه اطهار مشغولند نمی دانید چقدر لذت بخش است آوای یارب یاریشان دل هر سنگی را آب کرده و هر مغروری را جذب کرده و او خود گفته و قول داده بود که فرماندهی این عملیات را خودم به عهده دارم آری ما امام زمان داریم . ما آقا و مولا داریم و صاحب داریم .

بله عزیزان

حمله نزدیک میشود اما از ذوق و شوق برادران دقیقه ها و ثانیه ها کندتر و کندتر پیش میروند و این شبها آخرین وداع من با شفا باشد شاید دیگر زنده نباشم.

من اکنون می روم به صدامیان بفهمانم که به کشور اسلام حمله کردن یعنی چه و هیچگونه ترس و وحشتی در وجود خویش احساس نمی کنم بلکه بسیار خوشحال و مسرورم که این آگاهی را دریافتم که

میتوانم بفهمم فرمان امام ؟؟؟ اجرا شدنی است و با رضایت کامل مجری آن هستم من این مرگ را از غسل بر خودم گواراتر میدانم چون از امام و دستور صریح قرآن است و این وظیفه شرعی هر مسلمان است امام فرموده است چشم امید من به شما جوانان است ما امام را تنها نخواهیم گذاشت و یار و یاور او خواهیم بود و این خط سرخ را که ... است که ادامه دارد ادامه می دهیم این را هم را بگویم که من آگاهانه انتخاب کرده ام و آنرا به عنوان يك وظیفه انجام میدهم و اکنون که سرمداران کفر و اربابان آنها چون صدام و صدامیان و عمال داخلش از چريك فدائی گرفته تا منافق خلق و پیکاری و همه آنها که می خواهند ضربه ای بر پیکر اسلام و جمهوری اسلامی وارد کنند اما این نوکر صفتان آشوبگر اما این نوکر صفتان باید بدانند تا زمانی که خون جوانان مسلمان این مرز و بوم و تمام مسلمانان جهان در رگهایشان جریان دارند نمی توانند حتی يك لحظه از پیشرفت انقلاب اسلامی مسلمانان جلوگیری کنند . بر شما ای که در تشییع جنازه من شرکت دارید.

چشمانم را باز بگذارید تا کوردلان بدانند که کورکورانه به این راه نرفتم دستانم را بیرون بگذارید تا راحت طلبان و دنیا پرستان ببینند که چیزی با خود از این دنیا نبردم و مشتانم را گره کنید تا کافران بدانند که جسم بی جانم نخواهد گذاشت لحظه ای آرامش به خود گیرند. امروز حسین زمان تنهاست امروز فرزند فاطمه در برابر سپاهیان کفر و ابرقدرتهای پست بی یاور است امروز کربلای انقلابان خون می خواهد و من می روم تا به یزیدیان بفهمانم که شهادت بالاترین آرزوی ماست و در پیشگاه مولایم مهدی تقدیم کنم و به پروانگاه جاوید شمع ولایت ببوندم .

وصیت من به شما خواهران و برادران و ای امت مسلمان و همیشه در صحنه

برادران عزیز:

پیوسته در راه اعتلای اسلام عزیز کوشا باشید و تمامی فرامین امام امت خمینی کبیر را از جان و دل پذیرا باشید و آن زمان حسین و ایام عاشورا شما ای خواهران حجاب و عفت و پاکدامنی خود را سرلوحه زندگی خودتان قرار دهید و همیشه فاطمه وار و زینب گونه زندگی و مبارزه کنید .

پدر و مادر ، برادر و خواهرانم عزیزانم سلام ممکن است همنگامیکه شما این نوشته را می خوانید من دیگر نباشم و از حالت مادی خود خارج شده باشم چون برای يك مسلمان انشاءاله لیاقتش را داریم که جزء افراد این دسته باشیم مرگی وجود ندارد و این حالت تحولی بیش نیست امیدوارم زیاد بی تابی نکنید که این کار از اجر شما می کاهد و همیشه بیاد خدا باشید. به فقیران و بینوایان کمک کنید بخصوص و از همه مهمتر اینکه از روحانیت مبارز حمایت و پشتیبانی کنید و هر کس بدگویی از آنان که جانشینشان ائمه طاهرین هستند کرد با مشیت محکم بر دهانش بکوبید که این کار شما بسیار باعث خوشحالی من خواهد شد و تو برادر عزیز و مهربانم تا آخرین لحظه زندگی از امر امام امت خمینی بت شکن اطاعت کن و اگر انقلاب اسلامی نیاز به خون داشت از خون خود دریغ نکن و به کمک اسلام و جهاد در راه قرآن و خدا تلاش کن و شما خواهران عزیزم شما زنده اید باید زینب گونه با منافقین و گروههای وابسته دیگر مبارزه کنید

بیشتر از این وقت شما را نمی گیرم و برای همه شما آرزوی توفیق خدمتگزاری به اسلام و جامعه مسلمین را از خداوند بزرگ مسئلت می دارم .